



ویژگی های مدیر موفق از نگاه قرآن و اهل بیت(ع)

آیت الله مظاهری گفت: هر جامعه ای هر چند که کوچک باشد اگر بخواهد متشکل و منظم باشد، باید رئیس و سرپرست داشته باشد، در غیر این صورت، بی نظمی و هرج و مرج در آن جامعه حاکم می شود.

آیت الله مظاهری گفت: هر جامعه ای هر چند که کوچک باشد اگر بخواهد متشکل و منظم باشد، باید رئیس و سرپرست داشته باشد، در غیر این صورت، بی نظمی و هرج و مرج در آن جامعه حاکم می شود.

به گزارش خبرگزاری مهر، متن درس اخلاق آیت الله مظاهری برای علاقه مندان در پی می آید. در این مبحث آیت الله مظاهری به بررسی ویژگی های مدیران موفق از نگاه قرآن و اهل بیت(ع) پرداخته اند.

ریاست و سرپرستی، يك امر عقلایی بوده و اسلام آن را پذیرفته است؛ یعنی بودن رئیس و سرپرست در هر اداره و تشکیلاتی ایجاد نظم و به وجود آوردن تشکل، تنها وجود رئیس کافی نیست بلکه افراد تحت امر يك فرمانده و افراد زیر دست يك رئیس، باید اطاعت پذیری داشته باشند و از او پیروی کنند؛ اما رؤسا و مدیران باید ویژگی هایی داشته باشند تا در کار خود موفق باشند که در این جا برخی از آن ها را بر می شمیریم :

* تخصص و تعهد

درباره طالوت و جالوت در قرآن کریم آمده است که : جنگی بین حق و ناحق اتفاق افتاد، و از پیامبر آن زمان خواسته شد که رئیس و فرماندهی برای لشکر تعیین کند. آن پیامبر از خداوند خواست تا فرمانده ای معرفی نماید، پروردگار عالم جوانی را برای فرماندهی لشکر برگزید. مردم اعتراض کردند که این جوان است و مناسب فرماندهی و ریاست نیست. آن پیامبر از سوی خداوند به مردم اعلام کرد که این جوان، دو صفت دارد تخصص و تعهد:

از این آیه قرآن، به خوبی می فهمیم که این دو صفت ویژگی اولیه يك مدیر موفق است.

* ایجاد مواسات

این شرط، بسیار مهم است، و باید همگی سعی کنیم در خانه، اداره و یا در هر جای دیگر با زیر دستان خود مدارا نموده و با آنان مثل يك رفیق صمیمی و برادر برخورد کنیم و قانون مواسات بین ما حاکم باشد.

امیرالمؤمنین علیه السلام به مالك اشتر می فرماید :ای مالك! فرماندارها و فرماندهان لشکر تو باید از افرادی باشند که مواسات بر وجود آنان حاکم است.

مواسات، قانون بسیار مهمی است و کپی شده از عالم تکوین است. مواساتی که اسلام دارد از عالم تکوین نشأت گرفته است. انسان اعضای مختلفی دارد: پا، دست، چشم و... در بین اعضا، سر به منزله رئیس است در بدن. لذا می گویند: سر انسان از اعضای رئیسه است. بین سر و بقیه اعضای بدن قانون مواسات و برابری حاکم است و سر هیچ گاه تحمیل کننده بر بقیه اعضای بدن نیست و با آنان مستبدانه برخورد نمی کند.

سعدی علیه الرحمه بسیار عالی سروده است :

بنی آدم اعضای یکدیگرند*** که در آفرینش ز يك گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار*** دگر عضوها را نماند قرار

توکز محنت دیگران بی غمی*** نشاید که نامت نهند آدمی

این شعار برگرفته از روایات است؛ مرحوم کلینی حدود پنجاه روایت در این زمینه در جلد دوم اصول کافی آورده است. این همان قانون مساوات است؛ یعنی اگر خاری به پا فرو رود مثل این است که به چشم فرو رفته باشد، نه تنها پا ناراحت است که

دیگر اعضا نیز با پا همناله می شوند. این جاست که فعالیت همگانی برای نجات پا شروع می شود، و رئیس بدن، یعنی سر به دست، چشم مغز و... فرمان می دهد تا با دقت تمام آن تیغ و خار را از پا در آورند. هیچ يك از اعضا بی تفاوت نبوده و خود را کنار نمی کشند، بلکه سر - که رئیس بدن است - می گوید: درد پا درد من است، لذت و خوشحالی پا لذت و خوشحالی من است. دستور اسلام در عالم تشریع نیز چنین است، و مسلمانان باید چنین باشند.

پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود:

من اءصبح ولم يهتم بءامور المسلمين فليس بمسلم؛

کسی که صبح کند و به امور مسلمانان، همت نرزد، مسلمان نیست.

* منطقی بودن

یکی دیگر از ویژگی های مدیر موفق این است که رئیس و مسئول با استدلال و منطق به میدان کار وارد شود نه با زور و قلدری. البته ممکن است با زور و تحمیل تشکل به وجود بیاید اما به قول شیخ الرئيس بوعلى سينا رحمه الله چنین نظمى دوام و استمرار نخواهد داشت. شما اگر سنگی را به وسیله زور و نیروی بازو به طرف بالا پرتاب کردید، آن سنگ به اندازه زور و بازوی شما بالا خواهد رفت و بیش از آن ادامه نخواهد یافت، و سرانجام به طرف پایین خواهد آمد.

طبق فرموده قرآن، اگر پدر، مادر و رئیسی بخواهد نظرش را بر زیر دستانش تحمیل کند نه تنها پیشرفتی ندارد که آنان را عقده ای بار خواهد آورد. لذا اگر تند خویی و خشونت به میان آمد انسان به جای گرفتن نتیجه مثبت، با سرعت تمام به سوی ضد مطلوب خود می رود.

امام حسین علیه السلام سخنی دارد که باید پدران و مادران در خانه، و مسئولان در اداره، آن را با آب طلا بنویسند و در اتاقشان نصب کنند و آن این که امام علیه السلام فرمود:

من هاول اءمرا بمعصية الله كان اءفوت لما يرجوا...

اگر کسی از راه گناه و خلاف چیزی را به دست آورد، مسلماً امید او قطع می شود و به ضد مطلوب خود می رسد.

* پرهیز از تندخویی

قرآن کریم در سوره آل عمران آیه ۱۵۹ می فرماید: وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ (اگر تندخو و سختدل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می شدند)

* سعه صدر

دریا دلی و سعه صدر، از صفات لازم يك مدیر است. با این ابزار است که مسئولان و مدیران می توانند با حوادث رو به رو شوند و مشکلات مردم را درك کنند. از همین روست که امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

آلة الرياسة سعة الصدر؛

ابزار ریاست، سعه صدر است.

مسئول و رئیس، در اثر زیادی ارباب رجوع و سختی کار، و بد بودن افراد زیر دست هر چه خسته و عصبانی باشد باز نمی تواند بد اخلاقی کند و از مرز اعتدال خارج شود و برخورد خشن و نامناسب با ارباب رجوع داشته باشد و در نتیجه، کار خوب و خدمات گذشته اش را حبط و نابود کند.

ممکن است کسی که يك سال خدمت به جامعه و انقلاب کند اما از طرفی دل مسلمان و مؤمنی را بی جا بیازارد، که در این صورت، آن يك سال خدمت و عبادت - هر چه بالا باشد - باز در مقابل آن گناه نمی توانند قد علم کند؛ چرا که اهانت به مسلمان، جنگ با خداست :

من اهان و لیا فقد بار زنی بالمحاربة؛

عزیزان! به خاطر داشتن میز ریاست یا معاونت، مغرور نشوید و خود را گم نکنید، این عنوان ها همه هیچ است.

یکی از کرامت های بزرگ رهبر عظیم الشان انقلاب همین است که : من بعضی از اوقات وقتی خدمت ایشان می رفتم همان تلافی ها و همان نگاه هایی را می دیدم که در سال های ۱۳۳۵ و ۱۳۳۶ دیده بودم و ذره ای تفاوت نکرده بود.

روزی حضرت امام قدس سره به شهید رجائی، خدمت گذار صمیمی، صادق و وارسته ملت فرمود:

آقای رجائی! این ریاست جمهوری چیزی نیست که انسان به واسطه آن گول بخورد!...از کجا معلوم من و تو تا يك ساعت دیگر زنده باشیم و بخواهیم به ریاست جمهوریمان بنازیم.

* قاطعیت

انسان وقتی شرح زندگی افرادی که در دنیا پیروز و موفق بوده اند را می شنود و یا درباره آنان مطالعه می کند به این نتیجه می رسد که پیروزی و موفقیت این گروه، مرهون قاطعیت آنان است.

منظور از قاطعیت تشخیص وظیفه، تشخیص راه رسیدن به هدف، جدیت در گفتار و ایمان به پروردگار عالم است، اگر کسی این چهار صفت را دارا باشد قاطعیت دارد.

بنابر این، اگر کسی بخواهد کاری انجام دهد و به هدف برسد، ابتدا باید هدف را در نظر بگیرد و آن را به خوبی تشخیص بدهد، سپس راه آن را بیابد و بداند که از چه راهی رفت. در مرتبه سوم باید در گفتار خود جدی باشد؛ یعنی گفتار و کردارش با هم بخواند و تنها شعار نباشد. در مرحله چهارم - و بلکه باید گفت قبل از همه این ها - امید به خدا داشته باشد و او را پناه و پشتیبان خود بداند.

شما اگر اخلاق پیامبران و زندگی و مبارزات آنان را مطالعه کنید، در می یابید که مانع زیادی داشته اند، اما از میدان در نرفتند و سرانجام به هدفشان رسیدند؛ مثلاً حضرت موسی علیه السلام زمانی که به رسالت مبعوث شد، هیچ ابزار مادی نه لشکری، نه سلاحی، نه پولی و نه امکانات مادی دیگری در اختیار نداشت؛ خودش بود و عصایی که هنوز اژدها نشده بود. از جانب خدا خطاب می شود: ای موسی! برو در مقابل فرعون و ماءموریت خود را به انجام رسان، که فرعون، طغیان کرده است. موسی با سلاح قاطعیت، به راه می افتد.

او هدف را تشخیص داده و برای از بین بردن ظلم و نشر توحید، راه را نیز یافته است که باید به مقابله با ظلم و ستم برخیزد، استقامت کند تا سرانجام سردمدار ظلم را شکست دهد. او این قاطعیت را از اتکالی به خدا به دست آورده است و دریافته است که چون هدفش و راهش حق است، خداوند نصرت و یاریش خواهد کرد. چنین انسانی هیچ گاه خسته نمی شود. لذا مقابل کاخ فرعون آمد و راهش ندادند، يك سال آن جا ایستاد! تا سرانجام به دست خود دشمن، موفق شد که نزد فرعون برود و در همان برخورد اول، فرعون را در معرض شکست قرار داد؛ تا بالاخره حضرت موسی توانست بساط مستبد آن چنانی را برچیده و به هدف مقدس و الهی خود نائل شود.

مواعی که بر سر راه موسی قرار داشت تنها دیکته تاز زمانش یعنی فرعون نبود، بلکه خود بنی اسرائیل نیز مانع بزرگی بودند؛ بنی اسرائیل که خونشان در رگ های صهیونیست های روزگار ما نیز جریان یافته است، و امروز سرسخت ترین دشمنان اسلام همین ها هستند.

بنی اسرائیل انسان های بهانه جویی بودند، در بیابان، مائده آسمانی برایشان نازل می گشت و مرغ و پلو در اختیارشان قرار داده می شد باز قانع نمی شدند و اطراف حضرت موسی علیه السلام را گرفته و می گفتند:

ما سیر و پیاز می خواهیم، ما سبزی و...می خواهیم، آنان به قدری سست عنصر بودند که وقتی چهل روز از پیامبرشان دور ماندند، گوساله پرست شدند و اعتقاد خود را از دست دادند. لشکر حضرت موسی چنین انسان هایی بودند! آیا می توان گفت که این ها موسی را در مقابل فرعون به پیروزی رساندند؟ مسلماً چنین نیست. بلکه تنها عاملی که موسی را بر دشمن برتری داد و پیروز نمود و تمام گردنه ها را پشت سر گذاشت و تمام موانع و سدها را شکست همانا توکلش به خدا بود و قاطعیت و

ایستادگی اش در راه هدف.

امام حسین علیه السلام در دعای عرفه می فرماید: خدایا! کسی که تو را یافت همه چیز دارد و کسی که تو را گم کرد هیچ ندارد.

مرحوم استاد شهید مطهری هنگامی که برای ملاقات با رهبر انقلاب حضرت امام خمینی علیه السلام به فرانسه رفته بودند، در مصاحبه ای از او پرسیدند که: در این مرد امام خمینی چه دیدی؟ گفته بود در او چهار (امن) دیدم: امن بهدفعه، امن بسبيله، امن بقوله و امن بالله تبارك و تعالی.

لذا همیشه از خدا می گفت و می گفت: ما کاره ای نیستیم، هر چه هست خداست. ما کاری نکردیم: خدا کرد. ما وسیله ای بیش نیستیم، کارها همه به دست خداست.

ایشان بسیار قاطع بودند. اولین اعلامیه اش را که صادر کرد فرمود: اسلام در خطر است، باید جلو برویم ولو بلغ ما بلغ، اگر موسی عصا داشت او عصا هم نداشت. با این که عصای معجزه گر نداشت، می گفت: شاه باید برود. و سرانجام به هدف مقدسش رسید و این نوکر استعمار را به زباله دانی تاریخ فرستاد.

مرحوم آیه الله حائری می فرمود: این مرد امام خمینی با حرف و گفتن، شاه را بیرون کرد.

تا کنون دیده و یا شنیده نشده است که کسی بگوید: ابراهیم، موسی، عیسی علیه السلام و یا محمد صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیه السلام شکست خوردند! امروز مسلمان، غیر مسلمان، سنی، شیعه امام حسین علیه السلام را مرادف و مصادف با ایثار، فدا کاری و شرف و آزادی می داند.

* صبر و استقامت

یکی دیگر از شرایط مدیر و مسئول، صبر و استقامت، است. باید بدانیم که در دنیا مشکل فراوان است، و هیچ کس بی مشکل و گرفتاری نیست. دنیا را بلا و گرفتاری احاطه کرده است.

دار بالبلاء محفوقه؛

دنیا با بلا و مصیبت، پیچیده شده است.

همان طور که اگر انسانی در آب باشد، آب محیط بر اوست، انسان نیز در دنیا به وسیله گرفتاری و مصیبت ها احاطه شده است و تنها چیزی که هست این که مشکل ها بزرگ و کوچک بوده و انواع مختلف دارد. امروز به رنگی است و فردا به رنگ دیگر:

پیغمبر اکرم(ص) می فرماید: البلاء للولاء...؛

مصیبت و سختی، برای اولیاء الله است.

آری، پروردگار عالم هر که را بیشتر دوست داشته باشد، او را با مرکب بلا، زودتر به هدف و کمال و سعادت می رساند.

.....

اخلاق در اداره - آیت الله مظاهری